بازی کوچک

Oxenfree

بازی‌های ماوراءالطبیعه یا ترسناک معمولا توسط استودیوهای بزرگ ساخته می‌شوند و سبک شوتر اول شخص و یا سوم شخص دارند اما oxenfree یک بازی با داستانی ماوراءالطبیعه و تمی ترسناک است (البته نمی‌توان آن را در ژانر ترسناک قرار داد) که در محیط 2.5D (یعنی دو بعدی با رندرهای از پیش گرفته شده سه بعدی جهت فضای بازی) بازی می‌شود.این بازی توسط یک استودیوی مستقل بازی‌سازی طراحی شده و داستانی بسیار زیبا دارد. آلکس نوجوانی است که به همراه برخی از دوستانش به جزیره‌ای می‌روند که شایع است در آن فرکانس‌های خاص رادیویی موجب اتفاقات ماوراءالطبیعه می‌شوند.آن‌ها در جزیره به کنجکاوی می‌پردازند و وارد غارهای آنجا می‌شوند آلکس به طور اتفاقی یک فرکانس رادیویی ایجاد می کند که سیاه‌چاله‌ای به وجود می‌آورد. صدایی به گوش می‌رسد و بعد از هوش می‌رود...

داستان بازی در یک فضای مرموز اتفاق می‌افتد و شما بیشتر به عنوان الکس باید از اتفاقات این جزیره عجیب سر دربیاورید. به جای استفاده از دیالوگ از ابرهایی که در کمیک ها مرسوم هستند برای نشان دادن صحبت بین شخصیت ها استفاده می‌شود و شما می توانید دیالوگ‌های مورد نظر که هرکدام باعث واکنشی متفاوت می‌شوند را انتخاب کنید. بازی فضا و داستانی جذاب دارد که به شما توصیه می کنیم اصلا آن را از دست ندهید

خبربازی

رکورد فروش بازی‌های رایانه‌ای

رضا رهنمای‌مقدم

اهمیت بازی‌های کامپیوتری آن‌قدر مهم است که صنعتی به نام صنعت بازی‌های کامپیوتری شکل گرفته. صنعتی که در کنار هالیوود جزو درآمدزاترین صنایع مدیا محسوب می‌شود و حتی گاهی از آن هم پیشی می‌گیرد. بازی‌های کامپیوتری چنان در ذهن و فکر افراد فرو رفته که آن‌ها برای بیشتر دیده شدن و یا به علت علاقه وافر نسبت به یک بازی اقدام به ثبت رکوردهای بسیار عجیبی کرده‌اند. علاوه بر این خود بازی های کامپیوتری هم در زمینه فروش رکورهای عجیب و غریبی دارند. مدتی می‌خواهیم در مورد این رکوردها صحبت کنیم تا اهمیت بازی‌های کامپیوتری و پرداختن به آن ها به عنوان یک صنعت مشهودتر شود:

بگذارید به رکورد پرفروش‌ترین بازی های رایانه‌ای بر روی تمام پلتفرم‌ها بپردازیم. فکر می کنید پرفروش ترین بازی‌های رایانه‌ای کدام‌ها بوده‌اند و تعداد فروش آن‌ها چه مقدار است؟ نفر اول این لیست بازی‌ای است که در سال ۱۹۸۱ منتشر شده است و تقریبا غیر ممکن است آن را بازی نکرده باشید. با توجه به مدت زمان زیادی که از ساخت این بازی می‌گذرد قرار گرفتن در این رتبه آن‌قدرها هم دور از انتظار نیست اما جالب اینجاست که در لیست ۵ بازی پرفروش تاریخ دو بازی بعد از سال ۲۰۱۰ ساخته شده‌اند و این نشان دهنده رشد سریع بازی‌های رایانه‌ای است. و اما پرفروش‌ترین بازی رایانه‌ای تاریخ همان تتریس یا به اصطلاح خانه‌سازی خودمان است که تعداد نسخ فروخته شده آن به عدد باورنکردنی چهارصدو نود و پنج میلیون نسخه می‌رسد! همانطور که گفتیم این بازی در سال ۱۹۸۴ توسط Elektronorgtechnica ساخته شده و به وسیله Spectrum Holobyte منتشر گشته است. شاید آن زمان هیچ‌کس فکر نمی‌کرد این بازی زمانی لقب پرفروش‌ترین بازی تاریخ بازی‌های رایانه‌ای بر روی همه پلتفرم‌ها را به خود اختصاص دهد! اما دومین بازی که توسط Mojang ساخته شد و خود آن‌ها هم انتشار آن را برعهده گرفتند در سال ۲۰۱۱ منتشر شده بازی‌ای که مایکروسافت اخیرا حق امتیاز آن را خرید و تا کنون بیش از ۱۲۲ میلیون نسخه فروش داشته عنوانی نیست جز Minecraft که در آن می‌ؤان دست به خلق هر نوع فضایی زد. نکته جالب در مورد این بازی این است که تنها ۶ سال از ساخت آن می گذرد اما در رتبه دوم قرار گرفته.

رتبه سوم هم در اختیار یکی از بازی‌های نینتندو یعنی Wii sports است که با این‌که در ایران آن‌قدرها مورد توجه قرار نگرفته اما بیش از ۸۲ میلیون و هشتصد و ده هزار نسخه فروش داشته است و اما می‌رسیم به یکی از پرطرفدارترین و نام‌اشناترین بازی‌های کامپیوتری که در ایران هم بسیار پرطرفدار است و در سال ۲۰۱۳ ساخته شده است. بازی GTA5 که به تنهایی بیش از ۷۵ میلیون نسخه فروش داشته است. GTA از آن دسته از بازی‌های دنیای باز (open world) است که در آن می‌ؤانید به هر کاری دست بزنید . جزئیات بازی‌سازی این بازی آن را به یکی از پرفروش‌ؤرین سری‌های بازی سازی تاریخ تبدیل کرده است و همان‌طور که می‌بینید تنها قسمت ۵ آن در لیست پرفروش‌ترین بازی‌های تاریخ بر روی تمام پلتفرم‌ها قرار دارد. سازندگان قسمت ۵ این بازی استودیو Rockstar north بوده و همان‌طور که حتما می‌دانید توسط rockstar games منتشر شده است. اما در رده پنجم این لیست بازی‌ای قرار دارد که احتمالا منتظر بودید زودتر نام آن را بشنوید. یک بازی خاطره‌انگیز برای همه ما که در سال ۱۹۸۵ توسط نینتندو منتشر شد و آن بازی عنوانی نیست جز super Mario bros که در ایران به اسم قارچ‌خور معروف شد و هنوز که هنوزه نینتندو نسخ مختلفی از این بازی را برای پلتفرم‌های مختلف عرضه می‌کند. این بازی بیش از چهل میلیون و دویست و چهل هزار نسخه فروش داشته و اگر شما انتظار فروش بیشتری از بازی سوپرماریو داشته‌اید باید بگوییم آن‌قدرها هم انتظار اشتباهی نیست چرا که عنوان بعدی با بیش از سی و شش میلیون نهصد و پنجاه هزار نسخه به kart wii Mario تعلق دارد، بازی ای که البته در ایران چندان شناخته شده نیست اما یک بازی اتومبیلرانی با شخصیت ماریو است و در رتبه ۹ و ۱۱ هم نسخه‌های دیگری از سوپر ماریو وجود دارند!

معرفی شخصیت

Manuel Calavera

اگر از قدیمی‌های بازی‌های کامپیوتری باشید شخصیت معروف سا ۱۹۹۸ بازی‌های رایانه‌ای یعنی Manuel Calavera هرگز از یادتان نخواهد رفت. شخصیت بازی Grim fan-dango، شاهکار lucas arts که در آن سال عنوان بهترین بازی ادونچر از تمام سایت‌های معروف از جمله IGN و CNET و GAMESPOT و PC Gamer را از آن خود کرد. مانوئل که در دنیایی برزخ مانند کارمند بخشی به نام دپارتمان مرده‌ها است. مسئولیت او هم فرستادن مرده‌ها به دیار باقی و بستن پرونده اعمال آن‌هاست. او در این اداره متوجه می‌شود که برخی از افراد با این‌که خطایی نکرده اند سفرشان به دنیای نهم که مانند بهشت است سال‌ها طول می‌کشد . در این حین در می‌یابد که پرونده بسیاری از این افراد دستکاری می شود و بلیت قطارشان به دیگران فروخته می‌شود. یکی از این افراد دختری به نام Mecha است که Manuel را شیفته خود کرده است. داستان بازی فضایی کاملا سورئال دارد و مانوئل هم شخصیتی است که با اینکه گیمر هرگز نمی‌تواند خود را جای او بگذارد اما در عین حال بسیار گیرا و دوست داشتنی است. مانوئل از راننده این قطارهای لوکس که برای سفر به دنیای نهم که مانند بهشت است و دوستش Glottis کمک می‌گیرد تا بی‌گناهان به حق خود برسند. مانوئل در واقع خود مرده ای است که مرده‌ها را عازم سفر می کند او در دنیای برزخ مانند کار و زندگی می کندو فردی شجاع و با شرف است. مانوئل شما را به دنیایی می‌برد که تصورش سخت است و بیشتر شبیه یک رویاست. بیشتر شبیه خواب‌ها و رویاهایی است که داشته‌ایم . شخصیت مانوئل در عین این که در دنیایی خیالی قرار دارد بسیار باورپذیر و قابل لمس است . شاید به همین دلیل است که این بازی جایزه‌های بسیار زیادی را از آن خود کرد. اگر این بازی را بازی کرده باشید محال است مانوئل از ذهن شما برود و هر جایی که این شخصیت جالب و دوست داشتنی را ببینید فورا او را به خاطر خواهید آورد.

خبربازی

همان طور که بارها گفته ایم بازی های شوتر اول شخص همیشه جزو پرطرفدارترین سبک های بازی های رایانه ای بوده اند و محال است اهل بازی کردن باشید و حداقل یک بازی شوتر را امتحان نکرده باشید. یکی از مهم ترین خصیصه های بازی های شوتر ایجاد حس هیجان در گیمر است که باید هر چه بیشتر در بازی پیش برود بیشتر در حس شخصیت بازی فرو رود. یکی از بهترین بازی‌های شوتر اول شخص بازی DOOM 3D در زمان خودش بود. بازی‌ای که با داستانی مربوط به فضا همراه شده بود. البته بعدها بازی‌های اول شخص زیادی با این تم ساخته شد که شاید halo معروف‌ترین آن‌ها باشد. اساسا بازی هایی که علاوه بر گیم‌پلی خوب روند داستانی خوبی هم دارند ماندگارتر می شوند و این قضیه خیلی به سبک بازی بستگی ندارد. قطعا در بازی‌هایی مانند dream-fall که بر روی داستان تمرکز دارند این قضیه بیشتر به چشم می‌آید و لازم است اما در بازی‌های با سبک شوتر معمولا آن‌قدرها که باید و شاید بر روی شخصیت‌پردازی و داستان آن کار نمی شود و اگر این اتفاق به خوبی بیفتد شاهکارهایی مانند bioshock و dishonored به وجود می‌آیند. با این که در dishonored 1 هم آن‌قدرها در روایت داستان زمان صرف نمی‌شود اما داستان بازی و تمایل به کشف و اثبات حقیقت آن‌قدر مهم است که نمی‌توان از آن گذشت. بازی Prey توسط استودیوی فرانسوی Arkane یعنی همان سازنده‌های بازی dis-honored تولید شده است. بد نیست بدانید این استودیو بازی هایی مانند ندای وظیفه،دنیا در جنگ و بایوشاک ۲ را هم در کارنامه خود دارد. اگر اهل بازی کردن باشید می‌دانید که bioshock یکی از آن اکشن‌های اول شخصی است که همیشه در لیست بازی‌های با داستان جذاب قرار دارد. Prey داستان فردی به نام Morgan Yu است که بر اساس انتخاب گیمر در اول بازی می‌تواند مرد و یا زن باشد (نام Morgan برای هر دو جنسیت استفاده می‌شود) و این خود به نوعی جالب است هر چند که با این کار جا انداختن این شخصیت در طول زمان کمی سخت

داستانی جذاب در کنار گیم‌پلی روان

Prey

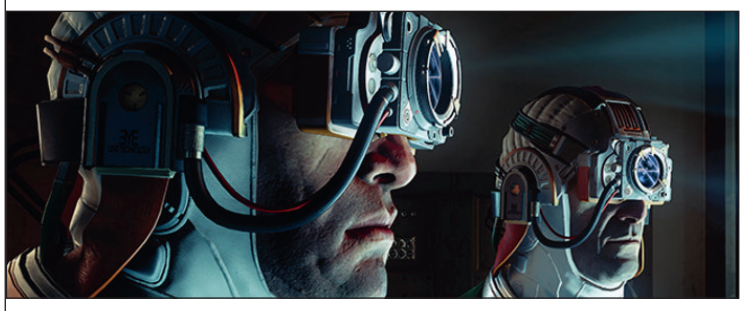

می‌شود. اگر dishonored را بازی کرده باشید به خوبی می‌دانید که استودیو Arkane در نشان دادن فضاهای زیبای بصری توانایی خاصی دارد و در بازی Prey هم چنین فضاسازی زیبایی را مشاهده می کنید. بازی از همان ابتدا درگیر کننده است و شما نیازمند پیدا کردن راه خود در فضایی بسیار خاص هستید. داستان از این قرار است که مورگان از خواب بلند شده و فکر می‌کند در آپارتمانی بر روی زمین است. و سپس برادرش Alex با او تماس می‌گیرد و به او می‌گوید باید به ساختمان TranStar بیاید پس از آن مورگان همراه با گروهی توسط هلی‌کوپتر به ساختمان Transtar رفته و در آنجا توسط موجودات فضایی که به آن‌ها mimic می‌گویند و می‌توانند به هر شکلی درآیند مورد حمله قرار می‌گیرند. اطرافیان مورگان او را با یک گاز بی‌هوش می‌کنند و زمانی که بیدار می‌شود دوباره در آپارتمان است و این بار فرد دیگری تماس می‌گیرد و می‌خواهد سریعتر آپارتمان را ترک کنند. مورگان و همراهیانش متوجه می‌شوند که در یک لابراتور در ایستگاه فضایی تالوس قرار دارند و تمام اتفاقات یک شبیه‌سازی بوده. آن‌ها از لابراتوار فرار می‌کنند در حالی که با mimic ها و phantom ها که موجودات فضایی خطرناکی هستند به تالوس حمله کرده اند و می‌جنگند. در این بازی شما به سلاح‌های بسیاری دسترسی دارید و باید کم کم در طول بازی بفهمید چه اتفاق‌هایی افتاده. در واقع حافظه شما به نوعی دستکاری شده و شما همه چیز را به خوبی به خاطر نمی‌آورید. با انجام ماموریت‌های جانبی بازی خواندن روزنامه ها و ایمیل‌ها و دیدن و شنیدن فیلم‌ها و صوت‌های مختلف که در جای جای بازی به آن‌ها بر خورد می‌کنید تکه‌های پازل در کنار هم چیده شده و شما کم کم از اتفاقات سر درمی‌آورید.

طراحی دشمنان بسیار عالی انجام شده به خصوص mimic ها که توانایی این را دارند که به هر شکلی در بیایند و این خاصیت بازی باعث می‌شود شما هر لحظه در انتظار یک دشمن باشید چرا که کاغذهای روی میز، فنجان و یا حتی جعبه کمک‌های اولیه که شما خیلی به آن نیاز پیدا می‌کنید می‌تواند دشمن شما باشد! تغییر شکل این دشمنان و تبدیل به شکل واقعی‌شان هم بسیار خوب از کار درآمده. فانتوم‌ها هم همین‌طور. چرا که به خوبی دیده نمی‌شوند اما حضورشان آثاری در اطراف دارد مانند بالا رفتن همه اشیا در هوا که باعث می‌شود شما به دنبال فانتوم بگردید. قطعا موسیقی خوب هم در به‌وجود آوردن حس خوب بسیار موثر است. اگر بازی‌های شوتر را دوست دارید Prey را از دست ندهید و به شما توصیه می‌کنیم بعد از پایان بازی صبور باشید و credits را تا انتها تماشا کنید و سورپرایز شوید!